



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم از جمله مسائلی که بین ما و عامه محل اختلاف است مسئله مربوط به جد و إخوه می باشد، در روایات ما جد نیز مثل أخ حساب شده ولی عامه جد را مقدم بر أخ می دانند لذا گفتیم که باید به کتابهای خلاف شیخ طوسی و بدایة المجتهد و الفقه علی المذاهب الخمسة مراجعه کنیم تا با اقوال عامه در این رابطه آشنا بشویم.

اخباری که در این رابطه خواندیم از باب ۶ از ابواب إخوه و أجداد بودند، اخبار ۱ و ۳ و ۵ و ۷ و ۸ و ۱۱ و ۱۲ می گویند: "الجد كالأخ" و اخبار ۲ و ۹ و ۱۰ می گویند: "الجد كواحد من الإخوة" یا "الجد أخ والجدة أخت" و اما اخبار ۱۷ و ۱۸ را صاحب وسائل فرمودند باید حمل بر تقیه شوند چون مضمون آنها با اخبار دیگر فرق دارند، مثلاً در خبر هفدهم با اینکه سنداً خوب است اینطور گفته شده: ﴿وباسناده عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن الفضيل، عن أبي الصباح الكناني وعمرو بن عثمان، عن الفضل، عن زيد الشحام وصفوان بن يحيى، عن ابن مسكان، عن الحلبي كلهم عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال في الأخوات مع الجد: إن لهن فريضةن [فريضةن] إن كانت واحدة فلها النصف وإن كانت اثنتين أو أكثر من ذلك فلهما الثلثان وما بقي فللجد. أقول: يأتي وجهه وأنه تقية.﴾^۱

خبر هجدهم: ﴿وعنه عن الحسين بن سعيد، عن ابن عمير، عن علي، عن أبي بصير: عن أبي عبد الله عليه السلام في الأخوات مع الجد لهن فريضةن، إن كانت واحدة فلها النصف وإن كانت اثنتين أو أكثر من ذلك فلهن الثلثان، وما بقي فللجد.﴾^۲

در این دو خبر بر خلاف اخبار دیگر باب، إخوه و أخوات مقدم بر جد و جده دانسته شده اند درحالی که ما إخوه و

أخوات و جد و جده را در یک طبقه و ردیف قرار می دهیم و همه را مثل هم حساب می کنیم لذا صاحب وسائل این خبر را حمل بر تقیه دانسته است به عبارت دیگر از طرفی اخبار دیگر باب مورد عمل فقهاء ماست ولی این دو خبر موافق قول عامه هستند فلذا ناچاریم این دو خبر را حمل بر تقیه کنیم.

مطلب دیگر اینکه شیخ طوسی در خلاف در این رابطه مسائل زیادی را مطرح کرده که بین ما و عامه محل اختلاف می باشد من جمله این مسئله که: «مسألة ۹۷: الإخوة من الأم مع الجد للأب، يأخذون نصيبهم الثلث المفروض، و الباقي للجد. و خالف جميع الفقهاء(عامه) في ذلك و قالوا: المال للجد و يسقطون.»^۳

شیخ طوسی حدوداً ۸ مسئله در این رابطه بیان کرده و مفصلاً بحث کرده.

عرض کردیم که صاحب جواهر بسیار خوب و عالی و مفصل مسائل فقهی را مطرح و مورد بررسی قرار داده ولی به اقوال عامه اشاره ای نکرده و در مقابل آقای بروجردی عنایت خاصی به سیر تاریخی مسائل فقهی و اقوال عامه دارند که اینها دو سبک مختلف هستند.

یکی دیگر از کتابهایی که باید به آن مراجعه کنید "بدایة المجتهد و نهاية المقتصد" جلد ۲ صفحه ۳۴۰ می باشد که مفصلاً در مانحن فيه بحث کرده و در بخشی از کلامش اینطور فرموده که: " أجمع العلماء على أن الأب يحجب الجد(تا اینجا با ما مشترک است) و أنه يقوم مقام الأب عند عدم الأولين... إلى آخر كلامه" ولی ما می گوئیم جد از طبقه دوم است و جای أب را نمی گیرد.

و اما کتاب دیگری که باید مطالعه کنید "الفقه علی المذاهب الخمسة" می باشد که اگر ما بخواهیم یک به یک نقل کنیم و مورد بررسی قرار بدهیم بحث خیلی طولانی می شود لذا خودتان مراجعه و مطالعه بفرمائید.

بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالى... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۹۲، ابواب إخوه و أجداد، باب ۶، حدیث ۱۷، ط الاسلامیة.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۹۲، ابواب إخوه و أجداد، باب ۶، حدیث ۱۸، ط الاسلامیة.

^۳ الخلاف، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۸۸، مسئله ۹۷.